

## بررسی تطبیقی شأن نزول آیات اطعام (۲۲-۵ سوره انسان) از دیدگاه مفسران فریقین\*

□ عبداله‌هاشم میرزا\*\*

### چکیده

در باره مکان نزول سوره انسان، دو قول ذکر شده است، بنا بر قول برخی مفسران اهل سنت، این سوره در مکه نازل شده است. از سوی دیگر، عده بسیاری معتقدند این سوره در مدینه نازل شده است. اما در مورد سبب نزولی آن پنج قولی وجود دارد. یک گروه سبب نزول را «مرد حبشی» دانسته‌اند. گروه دوم معتقدند آیات سوره انسان درباره ابودحداح انصاری نازل شده است. گروه سوم معتقدند مطعم بن ورقاء انصاری، نذری کرده بود و به آن وفا کرد و در این هنگام این آیات نازل شد. گروه چهارم سبب نزول را در مورد شماری از صحابه دانسته‌اند. گروه پنجم که همه مفسران شیعه و عده بسیاری زیادی از مفسران اهل سنت‌اند، معتقدند این سوره و یا آیاتی از آن (۵ الی ۲۲) درباره علی ×، فاطمه ×، امام حسن × و امام حسین × نازل شده است.

بر این اساس، این مقاله به بررسی دیدگاه‌های مطرح شده درباره سبب نزول سوره انسان و تحلیل و نقد اقوال ذکر شده می‌پردازد. **کلیدواژه‌ها:** شأن نزول، شیعه، اهل سنت، اهل بیت، سبب نزول، آیات اطعام، سوره انسان.

\*. تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱/۱۷؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۴/۲۰.

\*\* دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم، جامعه المصطفی 6 العالمية (mirzoh@yahoo.com).

## مقدمه

پیش از ورود به موضوع اصلی باید نخست معنا و مفهوم اسباب‌النزول را تبیین کنیم و سپس به بحث و بررسی دیدگاه‌ها و نظریات مطرح در زمینه سبب نزول سوره پردازیم؛ بنابراین نخست معنای سبب در لغت و پس از آن مفهوم اصطلاحی اسباب نزول از دیدگاه علمای فریقین بیان خواهد شد.

پس از مفهوم‌شناسی، در یک طرح اجمالی دیدگاه‌ها درباره اسباب نزول سوره انسان، از نظر خواهد گذشت و در ادامه به موضوع اصلی یعنی بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها و اقوال خواهیم پرداخت.

## مفهوم‌شناسی اسباب‌النزول

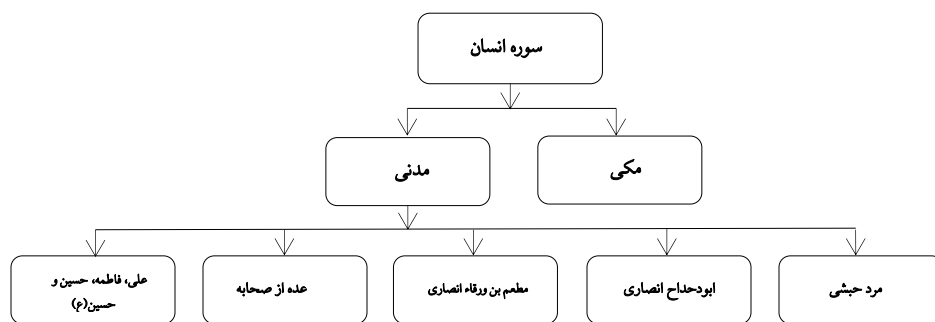
«سبب» به معنای ریسمانی است که به وسیله آن از درخت خرما بالا می‌روند و جمع آن اسباب است. چنان‌که خداوند فرموده: «فَلْيُرْتَقُوا الْأَسْبَابَ» (ص: ۱۰)، یعنی در ریسمان‌ها بالا روند... . آنگاه به هر وسیله «سبب» گفته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۹۱). در کتاب العین نیز سبب به معنای «حبل» (ریسمان) آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۰۳/۷؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۷۹/۲).

آقای حجتی اسباب نزول را چنین تعریف کرده است: «عبارت از اموری است که یک و یا چند آیه و یا سوره‌ای در پی آن‌ها و به خاطر آن‌ها نازل شده است و این امور در زمان نبوت رسول اکرم  $\text{ﷺ}$  روی داده است.

تفاوتی چندانی میان فریقین درباره اصطلاح «اسباب‌النزول»، نیست، در واقع تعاریف تقریباً یکسان هستند و هر دو گروه یک معنا را می‌خواهند بیان کنند. تناسب زمانی سبب‌النزول با زمان نزول آیات، یکی دیگر از نکات مهم در تعاریف فریقین می‌باشد (ر.ک: زرقانی، ۱۹۹۶: ۷۶/۱؛ حجتی، ۱۳۷۷: ۲۰؛ غازی، ۱۴۱۱: ۱۳؛ معرفت، ۱۳۸۱: ۱۰۰/۱؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۵۴/۱؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۳۷).

**طرح کلی بحث:** درباره سبب نزول سوره انسان چند نظریه مطرح شده است. البته مفسران شیعه به اتفاق اعتقاد دارند که سبب نزول آن درباره امام علی و حضرت زهرا و حسنین  $\text{علیهم‌السلام}$  است، ولی در میان مفسران اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. بعضی سوره را مکی می‌دانند و بنابراین شأن نزول‌های نقل شده را به کلی رد می‌کنند، ولی برخی دیگر شأن نزول‌های دیگری را برای این سوره نقل کرده و مورد نزول سوره را افراد دیگری دانسته‌اند.

اما آن عده از اهل سنت که سوره انسان و یا قسمتی از آن را مدنی دانسته‌اند، خود پنج گروه هستند. یک گروه مرد حبشی را شأن نزول سوره دانسته‌اند و گروه دیگر ابودحداح انصاری را مورد نزول گرفته‌اند و گروه سوم مطعم بن ورقاء انصاری را شأن نزول سوره گرفته‌اند و گروه چهارم جمعی از مهاجرین (ابوبکر، عمر، علی، زبیر، عبدالرحمن، سعد و ابوعبیده جراح) را سبب نزول آیات دانسته‌اند و گروه پنجم علی  $\text{علیه‌السلام}$  × فاطمه  $\text{علیها‌السلام}$  × امام حسن  $\text{علیه‌السلام}$  × و امام حسین  $\text{علیه‌السلام}$  × را مورد نزول سوره و یا آیاتی از آن دانسته‌اند. در نمودار زیر همه دیدگاه‌ها بیان گردیده است.



نمای کلی دیدگاه‌ها در مورد نزول سوره انسانی

بر این اساس، هدف این مقاله تحلیل و بررسی اقوال و دیدگاه‌های فریقین و در نتیجه به دست آوردن مناسب‌ترین شأن نزول سوره است.

دیدگاه اول: مکی بودن سوره انسان

عده‌ای از مفسران اهل سنت معتقدند سوره انسان در مکه نازل شده و بنابراین تمام شأن نزول‌های ذکر شده از اصل باطل است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷۳۹/۳۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹۳/۱۰؛ حقی برسوی، بی‌تا: ۲۵۸/۱۰؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۲۹۲/۸). بنابراین سبب نزول آن نمی‌تواند امام علی  $\times$  و حضرت فاطمه و حسنین  $\wedge$  و سبب نزول‌های دیگری باشد، زیرا به طور مسلم ازدواج امام علی  $\times$  با حضرت فاطمه در مدینه بوده است و این از مسلمات نزد فریقین است و این سخن یعنی رد همه اسباب نزول‌هایی که دلالت بر مدنی بودن سوره انسان می‌کنند.

ادله مکی بودن سوره

۱. محتوای آیات و ساختار سوره انسان

برخی از مفسران اهل سنت چنین استدلال نموده‌اند که سیاق آیات سوره انسان نمایانگر مکی بودن آن است، زیرا محتوا و مضمون سوره مشتمل بر مباحثی از قبیل «جنت و نعمت‌های آن»، «عذاب‌های الهی و دوزخ» و «اعتقادی و ایمان» است که بر مکی بودن سوره دلالت دارند.

همان‌گونه که آقای عزت دروزه می‌گوید:

این سوره از سوره‌هایی است که هم در مکی بودن آن و هم در مدنی بودن آن اختلاف نظر است، ولی طبیعت و سیاق مکی بودن از مدنی بودن برجستگی و ظهور قوی‌تری دارد و بسیاری از مفسران آن را مکی دانسته‌اند (عزّۀ دروزه، ۱۴۲۱: ۶/۱۰۵).

نقد و بررسی

۱. همان‌گونه که بعضی از اهل سنت قائل به مکی بودن سوره هستند، از سوی دیگر عده بسیاری نیز قائل به مدنی بودن سوره هستند. به تعبیر دیگر، بسیاری از مفسران اهل سنت قائل به مدنی بودن سوره انسان هستند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۶۵/۴؛ میبیدی، بی‌تا: ۳۱۶/۱۰؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۳۷۶/۴؛ اندلسی، ۱۴۲۲: ۴۰۸/۵؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱۸۹/۵؛ همو، ۱۴۲۰: ۴۳۶/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۷۴/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۶/۱۵؛ سیوطی، ۱۴۲۷: ۲۹۷/۶؛ ثعالبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۵۲۷/۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱۸/۲۰؛ جوهری طنطاوی، بی‌تا: ۲۱۱/۱۵؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۷۹۲/۳؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۱۴۷/۱۰؛ مراغی، بی‌تا: ۱۵۹/۲۹؛ شریینی،

۱۴۲۵: ۱۳۴۹/۱۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۵/ ۴۱۴؛ طنطاوی جوهری، بی تا: ۳۱۸/۱۲؛ صابونی، ۱۴۱۸: ۱۵/۱۹۳).

حتی بعضی از مفسران اهل سنت می گویند اصح این است که مدنی باشد (ر.ک: زحیلی، ۱۴۲۲: ۳/۲۷۸۸). علاوه بر این، برخی از کسانی که سوره انسان را مکی دانسته اند، «آیات اطعام» راستش کرده اند و آن را مدنی می دانند (حداد، ۲۰۰۳: ۷/۱۲۶).

۲. در کتبی که ترتیب نزول سوره ها را بیان کرده اند سوره انسان در بخش سور مدنی ذکر شده است، چنان که سیوطی در *الاتقان* آورده است:

«آنچه در مدینه نازل شده است، عبارت است از سوره «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ»، بقره، آل عمران، «وَهَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» و سوره طلاق ... (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱).

زرکشی نیز در کتاب *البرهان* سوره انسان را جزء سوره های مدنی آورده است: ترتیب «نزول سوره هایی که در مدینه نازل شده، عبارت از ۲۹ سوره است که اولین سوره ای که در مدینه نازل شده است، سوره بقره، سپس انفال و... هل اُتَى، سپس طلاق و...، این است ترتیب نزول سوره ها در مدینه (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/۲۸۲).

ترتیب نزول سوره های مدنی آن طور که ابن ندیم نقل کرده است ۲۸ سوره می باشد که عبارت است از: بقره، انفال، اعراف، آل عمران، ممتحنه، نساء، إذا زلزلت، حدید، الذین کفروا، رعد، هل اُتَى علی الإنسان ... در مدینه نازل شده، سپس بقیه قرآن نازل شده است (ابن ندیم، ۱۳۹۸: ۳۸).

۳. اگر سوره را مکی بگیریم، از لحاظ محتوا با مشکل رو به رو می شویم، چون در این سوره اشاره به «نذر» و «اطعام نیازمندان» و از همه مهم تر موضوع «اسیر» است که به اتفاق مفسران، در مکه هیچ اسیر مشرکی نزد مسلمانان وجود نداشته است.

## ۲. چگونگی امر خداوند به پیامبر

در این آیات به پیامبر امر شده است که در مقابل آثم و کفور، صبور و بردبار باشد، آنجا که می فرماید: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كُفُورًا» (انسان: ۲۴) و این گونه اوامر فقط با مکی بودن آیه تناسب دارد و با مدنی بودن سوره تناسب ندارد. چنان که ابن جوزی می گوید: در اینکه مراد از «آثم» و «کفور» چیست در میان مفسران سه قول است: یکی اینکه این دو کلمه (آثم و کفور) صفت برای ابوجهل هستند. قول دوم اینکه مراد از «آثم» عتبه بن ربیع و مراد از «کفور»، ولید بن مغیره است. قول سوم اینکه مراد از «آثم»، ولید و مراد از «کفور»، عتبه می باشد، زیرا آن دو به پیامبر گفتند از آیین و دعوت خود برگرد، در مقابل ما تو را با مال و ازدواج (با زنان) راضی می کنیم (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۳۸۱).

همان گونه که مشاهده می شود، عبارات فوق نشان دهنده این است که این آیه درباره سران مشرک مکه نازل شده است که آن ها برای اینکه پیامبر از کار خود (پیامبری) دست بکشد، پیشنهاد مال و زن به آن حضرت دادند و این آیه آن حضرت را از اطاعت و قبول حرف سران مشرک نهی کرده است. بسیاری از مفسران در تفاسیر خود به این مسئله اشاره کرده اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰/۱۴۹؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۱۰/۱۰۶؛ عزة دروزة، ۱۴۲۱: ۶/۱۰۸؛ نیز، ر.ک: محلی و سیوطی، ۱۴۱۶: ۵۸۲؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۶: ۶/۴۱۸).

## نقد و بررسی دلیل

۱. این آیات خارج از بحث ما است، یعنی آیه ای که مورد بحث ما است، آیات ۵ الی ۲۲ سوره است و این آیه ذکر شده آیه

بیست و چهارم سوره است و مانعی ندارد که این قسمت از آیات به خصوص آیات آخر سوره (۲۳ الی ۳۱) در مکه نازل شده باشد، همان گونه که عبارات برخی از مفسران دلالت بر همین مسئله می کند که قسمتی از آیات سوره انسان در مدینه و قسمتی (نه آیه آخر) در مکه نازل شده باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۹/۲۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۸۱/۴؛ ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۳۸/۲۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶/۴۶۷۰). بنابراین، این دلیل بر عدم نزول آیات مورد بحث ما (۵ الی ۲۲) در مدینه نیست، بلکه با فرض صحت، احتمال نزول آیات آخر این سوره در مکه را می رساند.

۲. اگرچه ممکن است، آیات ۲۳ الی ۳۱ در مکه نازل شده باشند به علت محتوای آیات مذکور، ولی هیچ لزومی ندارد که هر آیه ای به صرف چنین محتوایی مکی باشد، بلکه در مدینه نیز پیامبر ﷺ زیر فشار کفار و یهود و منافقان بود و بنابراین چنین آیاتی الزاماً اختصاص به مکه ندارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۲۱۷) چنان که از ابن عباس و دیگران نقل شده است، آیه ۲۸ سوره کهف (که از لحاظ سیاقی و محتوایی بسیار شبیه به آیه مورد بحث آیه ۲۴ سوره انسان است) در مدینه نازل شده است (مظهری، ۱۴۱۲: ۶/۲۹؛ ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۷/۲۳۵۷؛ اسفراینی، ۱۳۷۵: ۳/۱۳۱۳؛ طوسی، ۱۳۷۲: ۷/۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۷۱۸).

۳. اگرچه در این نظریه به سیاق آیات آخر ۲۳ الی ۳۱ توجه شده است، ولی سیاق آیات مورد بحث (آیات ۵ الی ۲۲) مورد غفلت قرار گرفته است، زیرا در آن آیات یکی از مباحث موضوع «اسیر» است که با مکی بودن سوره ناسازگار است، زیرا در مکه مسلمانان اسیری از مشرکان نداشته اند.

#### دیدگاه دوم: مرد حبشی

عده ای از مفسران اهل سنت سوره انسان را مدنی دانسته و داستان شأن نزول سوره را در مورد مرد سیاه حبشی (الاسود الحبشی) نقل کرده اند. طبق این نظریه این سوره و یا آیات آغازین آن در شأن یکی از صحابه (همان مرد حبشی) نازل شده است.

آن ها درباره داستان آن چنین (با توجه به اختلاف جزئی عبارات) می گویند: از ابن عمر نقل شده است که گفت:

از حبشه مردی نزد رسول خدا آمد و عرضه داشت: آیا اجازه می دهید سؤالی بکنم؟ پیامبر ﷺ فرمود: بپرس. مرد حبشی سؤال هایی کرد و پیامبر ﷺ جواب داد، تا رسید به آنجا که پیامبر ﷺ در مورد بعضی از تسبیحات فرمود هرکس بگوید: «لا إله إلا الله» نزد خدا عهدی دارد و هرکس بگوید: «سبحان الله و بحمده» ۱۲۴ - سنه برای نوشته می شود. مرد حبشی عرضه داشت: آیا دیدگان من هم در بهشت می بینند آنچه را که دیدگان تو می بینند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: آری! پس مرد حبشی ناله ای کرد و جان به جان آفرین تسلیم کرد و این سوره درباره او نازل شده است. پسر عمر گفت: دیدم که پیامبر ﷺ خود جنازه را در قبر سرازیر می کرد (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲۹۷؛ دمشقی، ۱۴۱۹: ۲/۳۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰/۱۰۵).

#### نقد و بررسی

همان گونه که ملاحظه می شود، داستان و سبب نزول ذکر شده، در این نظریه از لحاظ ظاهری و لفظی و هم از بعد معنایی و محتوایی دارای اشکال و نقص است، زیرا سبب نزول ذکر شده نه با ظاهر الفاظ آیات تناسب دارد و نه با محتوا و معنای آیات سوره انسان به خصوص آیات (۵ الی ۲۲) چون در این آیات چهار نکته و جهت وجود دارد که عدم توجه به آن باعث غفلت از شأن نزول حقیقی آیات می شود. آن چهار جهت و بعد عبارت است از:

#### ۱. نذر و وفای به آن

یکی از نکات اصلی که در این قول نادیده گرفته شده، مسئله ای است که در آیه هفتم سوره آمده است و آن عبارت است از:

«يُؤْفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا»؛ آن‌ها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است، می‌ترسند (انسان: ۷).

این آیه اشاره دارد به واقعیت خارجی که عده‌ای از انسان‌ها برای مسئله‌ای و حل مشکلی «نذر» کرده‌اند و سپس به نذر خود وفا نموده و عمل کرده‌اند و حال آنکه در سبب نزولی که برای مرد حبشی (الاسود الحبشی) نقل شده است، در عبارات هیچ یک از مفسران کوچک‌ترین اشاره‌ای به این مسئله نشده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲۹۷؛ دمشقی، ۱۴۱۹: ۲/۳۱۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۵/۴۱۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰/۱۰۵). بر این اساس، نمی‌توان گفت از این لحاظ مرد حبشی سبب نزول این قسمت از آیات سوره انسان است، زیرا هیچ تناسبی بین داستان نزول و موضوع نذر و وفای به آن وجود ندارد.

۲. اطعام برای خدا با وجود نیاز شدید به آن

موضوع دیگری که در آیات ۸ الی ۱۰ مطرح شده است و حکایت از واقعه‌ای صورت گرفته می‌کند، موضوع اطعام خالصانهٔ محرومان و نیازمندان (مسکین، یتیم و اسیر) است، آنجا که می‌فرماید: «و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند (و می‌گویند): ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم، ما از پروردگاران خائفیم، در آن روزی که عبوس و سخت است (انسان: ۸-۱۰).

بنابراین در داستان نزول نقل شده هیچ نشانه‌ای که دلالت بر عمل «اطعام» مرد حبشی کند مشاهده نمی‌شود. حال چگونگی می‌توان سبب نزول را با حال آن شخص ذکر شده تطبیق داد، در حالی که بین سبب نزول و محتوای آیات نازل شده باید ارتباطی برقرار باشد، زیرا با توجه به اصطلاح اسباب نزول نمی‌شود سبب نزول با محتوا و معنای آیات نازل شده در آن مورد بی‌ارتباط باشد.

۳. افراد مورد نزول آیات

یکی دیگر از جهات و نکات کلیدی دیگر در مجموعه آیات ۵ الی ۲۲ به کار رفته است و کمک بسیاری در فهم و درک صحیح سبب نزول خواهد کرد. آن نکات عبارت‌اند از:

الف) جایگاه والای افراد ذکر شده در آیات

اشخاص مورد سبب نزول افراد عادی نبوده‌اند، بلکه افراد با عظمت دارای قدرت ایمان بالا بوده‌اند، چون در آیاتی که خداوند متعال از قول آن‌ها بیان می‌کند بیانگر این مطلب است که اطعام آن‌ها به نیازمندان دارای سه ویژگی و خصوصیت بوده است:

۱. این کار را با وجود نیاز شدید که به آن داشتند انجام داده‌اند: «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان: ۸).

۲. اطعام آن‌ها به نیازمندان خالص برای رضای خداوند بوده است: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ...» (انسان: ۹).

۳. در این کار خیر انتظار اجر و پاداش و سپاسگزاری از سوی کسی را نداشته‌اند: «... لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» (انسان: ۹).

با توجه به نکات فوق می‌توان گفت هرکسی نمی‌تواند از عهدهٔ چنین ویژگی‌هایی برآید، بلکه انسان‌هایی می‌توانند چنین باشند که مرتبهٔ بالایی ایمانی و اعتقادی را داشته باشند و این افراد اشخاص معمولی نیستند. قدر متیقن در بحث این است که از سابقهٔ آن مرد حبشی چیزی گفته نشده است و تا جایی که مورد برر سی قرار گرفته هیچ شرح حالی که نمایانگر ویژگی‌های

شخصیتی آن مرد باشد، به دست نیامده است. تنها چیزی که در داستان نزول آمده است این است که آن مرد پس از این داستان فوت کرده است و پیامبر 6 با دستان خود او را به خاک سپرده است. ولی در طرف دیگر قضیه، درباره شأن و منزلت و مرتبه والای ایمانی و اعتقادی اهل بیت<sup>ع</sup> که مورد نزول آیات این سوره باشند تنها هیچ یک از مسلمانان شک و شبهه‌ای ندارند، بلکه به مقام و مرتبه بالای آنان اذعان دارند.

ب) پادشاه‌های الهی در قبال صبر و بردباری این افراد

یکی از مباحث دیگر در این آیات مسئله صبر و بردباری است. این افراد مورد نزول در قضیه‌ای که برای آن‌ها مشقت و مشکلی داشته است، صبر و استقامت به خرج داده‌اند و نعمت‌های بهشتی که خداوند در آیات بعد ذکر کرده است، به علت این صبر و استقامت بوده است، آنجا که می‌فرماید: «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا» (انسان: ۱۲). همچنین در آیه ۲۲ نیز می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا» (انسان: ۲۲) این مسئله می‌رساند که این افراد در مقابل مشقتی بردباری کرده‌اند و خداوند در مقابل آن پادشاه‌های بهشتی را برای آنان قرار داده است. حال آنکه در داستان نزول مرد حبشی ذره‌ای به این مسئله اشاره نشده و هیچ مفسری سخنی در این باره نگفته است.

۴. ذکر تعداد زیاد ضمیر جمع

حدود بیست ضمیر در این آیات به کار رفته که همگی به صورت جمعی آمده‌اند: «يَشْرَبُونَ، يُوْفُونَ، وَيَخَافُونَ، وَيَطْعَمُونَ، نُطْعِمُكُمْ، لَا تُرِيدُ، إِنَّا، نَخَافُ، فَوْقَاهُمْ».

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تعداد زیادی ضمیر آمده است و همه به صورت جمع، در حالی که داستان نقل شده برای نزول این آیات در شأن مرد حبشی، تنها اشاره به یک فرد واحد دارد و این بیانگر عدم تناسب لفظی آیات با داستان نزول ذکر شده است. به علاوه، در این آیات صحبت از یک ضمیر نیست، بلکه حدود بیست ضمیر است.

در قرآن کریم ضمیر جمع برای فرد واحد نیز به کار رفته است (مانند: ۵۵؛ آل عمران: ۶۱)، ولی این کاربرد بدون دلیل و بی‌جهت نیست، بلکه برای تعظیم و تکریم شخصیت یا عظمت و بزرگ نشان دادن آن عمل و تشویق و ترغیب مردم به آن است (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۳۴؛ فخرازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۵). به عنوان مثال، زمخشری در تفسیر آیه ۵۵ مانده، در علت کاربرد ضمیر جمع برای فرد واحد چنین می‌فرماید:

به این سبب لفظ جمع آورده شده است که اگرچه سبب نزول یک مرد (علی) است، ولی برای ترغیب و تشویق مردم به انجام چنین کاری جمع آمده تا به ثواب مثل ثواب (علی ×) نائل شوند و... (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۶۴۹).

دیدگاه سوم: ابودحداح انصاری

بعضی دیگر از مفسران اهل سنت می‌گویند این سوره درباره «ابودحداح انصاری» نازل شده است:

آیه «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» ... درباره ابودحداح انصاری نازل گشته است و گفته می‌شود که درباره علی بن

ابی طالب نازل شده است و علت نزول آن است که او یک روز روزه گرفت و هنگام افطار، سائلی آمد و گفت:

به من غذا بدهید. من امروز چیزی نخورده‌ام. ابودحداح یا علی (خطاب به همسرش) گفت: بلند شو نانی را ترید کن و به آن خورشتی اضافه کن و به سائل بده! همسرش این کار را انجام داد. زمانی نگذشت که یک کنیز یتیم آمد و گفت: به من غذا بدهید. من ضعیف هستم و امروز چیزی نخورده‌ام. ابودحداح گفت: ای ابودحداح، بلند شو و نانی را ترید کن و به کنیز بده!

به خدا سوگند، این کنیز از سائل قبلی سزاوارتر است. در این حال اسیری در رازد و گفت: در شهر شما غریب هستم و در دستان شما اسیر و گرسنگی به من فشار آورده است. سوگند به ذاتی که شما را عزیز و مرا ذلیل گردانید، به من غذا ندادید. ابودحداح گفت: ای ام‌دحداح، بلند شو! وای بر تو! نانی را ترید کن و به اسیر غریب بده، زیرا او از دو نفر قبلی سزاوارتر است؛ بنابراین سه نان را به سائل و یتیم و اسیر دادند و برای خودشان فقط یک نان باقی ماند. در این حال خداوند درباره آن‌ها این آیات را نازل کرد و کار آن‌ها را ستایش نمود (بلخی، ۱۴۲۳: ۴/۵۲۴).

این قول را فقط مقاتل در تفسیرش آورده است و دیگران آن را در کنار نظریه دوم که بیان شد به نقل از مقاتل آورده‌اند (ر.ک: بغوی، ۱۴۲۰: ۵/۱۹۱).

نقد و بررسی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این قول و نظر خالی از اشکال نیست و دارای ضعف‌های زیادی است که در اینجا آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۱. همان‌گونه که درباره نظریه دوم شأن نزول بیان شد، این قول نیز از جهت محتوا با شأن و وضع ابودحداح انصاری تناسب و سازگاری ندارد، گرچه از این بُعد که در سبب نزول ذکر شده علت نزول آیات «اطعام ابودحداح به نیازمندان» بوده و نسبت به نظریه قبلی (مرد حبشی) به احتمال نزدیک‌تر است، ولی همان‌طور گفته شد، آیات قبل از اطعام را نیز باید در نظر گرفت. یکی از نکات مهمی که در این داستان نزول به آن بی‌توجهی شده، مربوط به «نذر و وفای به آن» است که در این قول اصلاً به آن اشاره‌ای نشده و فقط گفته شده است که یک روز، روزه گرفته بود.

۲. همان‌گونه که از مطالعه این داستان نزول استفاده می‌شود، در این عمل (اطعام نیازمندان)، طرف قضیه فقط ابودحداح به تنهایی بوده و همسرش (ام‌دحداح) فقط به دستور شوهرش اطعام را انجام داده است و از شکل داستان استفاده نمی‌شود که او نیز در این کار برای خدا شرکت کرده باشد. بنابراین تعداد زیادی ضمیر جمع به کار رفته است، حال آنکه طرف فرد واحدی است و اگر بفرض همسر او نیز در این عمل شریک باشد، باز هم کار برد ضمیر جمع برای دو فرد ضعیف است. قبلاً گذشت که ضمیر جمع برای فرد واحد کاربرد دارد، ولی کار برد آن برای دو فرد بسیار ضعیف است.

۳. همان‌گونه که در متن عبارت آمده، راوی هیچ تأکیدی بر اینکه آیات فقط درباره ابودحداح نازل شده باشد ندارد، بر عکس با شک و تردید می‌گوید آیات درباره ابودحداح انصاری و یا درباره علی × نازل شده است، به گونه‌ای که در عبارت فوق دوبار نام علی × را آورده است.

دیدگاه چهارم: مطعم بن ورقاء انصاری

بعضی دیگر از مفسران اهل سنت می‌گویند: این سوره درباره مطعم بن ورقاء انصاری نازل شده است، به علت اینکه نذری کرده بود و به آن وفا نمود، آیه درباره او نازل شد.

ضحاک از جابر نقل می‌کند: این سوره درباره مطعم بن ورقاء انصاری نازل شده است، چون نذری کرده بود به آن وفا نمود (ماوردی، بی‌تا: ۶/۶۸؛ سلمی، ۱۴۲۹: ۲/۳۲۷).

البته سلمی و ماوردی این نظریه را در کنار نظریه «اهل بیت» آورده‌اند، یعنی معتقد نیستند که تنها درباره مرد انصاری نازل شده، بلکه آن را به عنوان یک قول در کنار دیگر اقوال مطرح نموده‌اند.



## نقد و بررسی

این قول و نظریه مانند دیگر اقوال بیان شده دارای نقاط ضعف و مشکلات بسیاری است و نمی‌تواند سبب نزول آیات سوره انسان باشد. یکی از مسائلی که در مورد شأن نزولها مهم است، تناسب محتوایی آیات با داستان و افرادی است که آیات درباره آنها نازل شده است. آیات و سوره‌هایی که بر اساس اسباب و علت‌هایی نازل شده‌اند، به طور طبیعی باید متناسب با محتوای معنای آیات و سوره‌ها باشند. در غیر این صورت، خاصیت نزول از بین خواهد رفت و ارتباطی بین نزول آیات و سبب خارجی وجود نخواهد داشت.

این داستان نزول نقل شده نیز هم از لحاظ محتوایی و هم از جهات دیگر با آیات ذکر شده تناسبی ندارد، زیرا همان‌گونه که در تبیین اقوال گذشته بیان گردید، چندین جهت و بعد در آیات وجود دارد که داستان نزول باید با آنها ارتباط منطقی داشته باشد و در غیر این صورت، نمی‌توان این سبب نزول را صحیح دانست. این ابعاد را به طور خلاصه بیان خواهیم کرد زیرا در مباحث قبلی به صورت تفصیلی بیان شد.

۱. نکته اول در مورد «نذر» است. در این داستان نزول آمده است که سبب نزول آیات درباره مطعم بن ورقاء، به این علت بوده است که او نذری کرده بود و به آن وفا کرد و در نتیجه آیات در مورد او نازل گشت. اگرچه داستان نزول از جهت اینکه در آیات نیز بحث «نذر» آمده است، مناسب به نظر می‌رسد، ولی معلوم نیست چه نذری بوده و چه اهمیتی داشته که خداوند برای آن این آیات را نازل کرده است. در این داستان نقل شده هیچ نشانه‌ای از اهمیت آن نذر و علت و سبب نذر نیامده و اگر چیزی در این باره وجود داشت حتماً نقل می‌شد. بنابراین نمی‌تواند این سبب نزول صحیح باشد.

۲. در این داستان، با فرض تناسب بین «نذر» در سبب نزول و «نذر» در آیه ۷، موضوع اطعام نیازمندان «وَيَطْعُمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»، (انسان: ۸) نادیده گرفته شده است، حال آنکه از لحاظ سیاقی و ساختاری یکی هستند و نشان می‌دهد که شأن نزول آنها یکی است. بنابراین این نظریه از این جهت ناقص است.

۳. نکته سوم در این آیات این است که خداوند می‌فرماید: «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا» (انسان: ۱۲). این آیه می‌رساند که فردی که درباره وی آیات نازل شده است، در مشقت، مصیبت و مضیقه‌ای بوده و در مقابل آن صبر و بردباری به خرج داده است که خداوند این آیات را برای آن نازل کرده و همچنین پاداش بهشت و نعمت‌های بهشتی را برای آن ذکر کرده است. این معانی و مفهوم با حال و وضع فرد ذکر شده در این قول تناسبی نداشته و نمی‌تواند ارتباطی با این آیات داشته باشد.

دیدگاه پنجم: جمعی از صحابه

برخی از مفسران اهل سنت در تفاسیر خود شأن نزول آیات سوره انسان را ابوبکر، عمر، علی، زبیر، عبدالرحمن، سعد و ابوعبیده جراح دانسته‌اند و داستان سبب نزول را چنین نقل کرده‌اند: هنگامی که پیامبر ۶ از جنگ بدر به همراه اسرای جنگ بازگشتند، ابوبکر، عمر، علی، زبیر، عبدالرحمن، سعد و ابوعبیده جراح، به اسرا انفاق نمودند و این کار سبب ناراحتی انصار شد و چنین اعتراض کردند: ما در راه خدا و رسولش با آنها جنگیدیم و شما با انفاق کردن به آنها کمک می‌کنید؟ در این هنگام نوزده آیه سوره انسان نازل شد از: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ» تا «عَيْنًا فِيهَا تُسْمَىٰ سَلْسِيلًا» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲۹۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵/۱۷۲).

## نقد و بررسی

۱. این سبب نزول ذکر شده فقط با قسمت کوچکی از آیات مورد بحث تا اندازه‌ای تناسب دارد و آن قسمت عبارت است از

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ... وَأَسِيرًا» (انسان: ۸). در حالی که در همین آیه نکته‌ای وجود دارد که عدم تناسب نزول آن را با این سبب نزول نشان می‌دهد. نخست اینکه قبل از کلمه «اسیر» می‌فرماید: «آن‌ها مسکین و یتیم» و بعد می‌فرماید «اسیر» را اطعام می‌کنند. یعنی اینکه در این سبب نزول سه فرد مسکین، یتیم و اسیر به ترتیب مورد اطعام قرار گرفته‌اند، حال آنکه از سبب نزول ذکر شده چیزی در این زمینه به دست نمی‌آید.

۲. نکته دیگر اینکه قبل از اطعام مسئله «نذر و وفای به آن» مطرح شده است و به لحاظ سیاقی نشان می‌دهد که جدا از هم نیستند، بلکه در یک واقعه نازل شده‌اند و دارای سبب نزول واحدی هستند، حال آنکه در این سبب نزول راجع به نذر مطلبی نیامده و در هیچ منبعی به این قضیه که نشان‌دهنده نذر آن‌ها باشد، اشاره‌ای نشده است.

دیدگاه ششم: علی ×، فاطمه ÷، امام حسن × و امام حسین ×

بسیاری از مفسران و دانشمندان اهل سنت در کتب خود شأن نزول سوره انسان را اهل بیت ^ (امام علی، حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین) دانسته‌اند و در این مورد ماجرای علت نزول سوره را ضمن داستانی نسبتاً طولانی به نقل از ابن عباس چنین روایت نموده‌اند:

حسن و حسین<sup>۱</sup> بیمار شدند. پیامبر ﷺ با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و (به علی ×) گفتند: ای ابوالحسن! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی. علی × و فاطمه ÷ و فضه که خادمه آن‌ها بود، نذر کردند که اگر آن‌ها شفا یابند، سه روز روزه بگیرند. چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند، در حالی که از نظر مواد غذایی دست خالی بودند.

علی × سه من جو از یک مرد یهودی از اهل خیبر به اسم شمعون قرض نمود و فاطمه یک سوم آن را آرد کرد و نان پخت. هنگام افطار، سائلی بر در خانه آمد و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد! مستمندی از مسلمانان هستم. غذایی به من بدهید. خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند. آن‌ها همگی مسکین را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند.

روز دوم را همچنان روزه گرفتند و موقع افطار وقتی غذا را آماده کرده بودند، یتیمی بر در خانه آمد. آن روز نیز ایثار کردند و غذای خود را به او دادند.

در روز سوم، اسیری به هنگام غروب آفتاب بر در خانه آمد. باز سهم غذای خود را به او دادند. هنگامی که صبح شد، علی × دست حسن و حسین □ را گرفته بود و خدمت پیامبر ﷺ آمدند. هنگامی که پیامبر ﷺ آن‌ها را مشاهده کرد، دید از شدت گرسنگی می‌لرزند! فرمود: این حالی را که در شما می‌بینم برای من بسیار گران است، سپس برخاست و با آن‌ها حرکت کرد.

هنگامی که وارد خانه فاطمه شد، دید در محراب عبادت ایستاده، در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشت چسبیده و چشم‌هایش به گودی نشسته. پیامبر ﷺ ناراحت شد. در همین هنگام جبرئیل نازل گشت و گفت ای محمد! این سوره را بگیر، خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می‌گوید. سپس سوره «هل اتی» را بر او خواند (زمخسری، ۱۴۰۷: ۴/۶۷۰؛ بروسوی، بی تا: ۲۶۸/۱۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۷۳/۱۵؛ مظهري، ۱۴۱۲: ۱۵۵/۱۰؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۱۴۲/۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹۸/۱۰؛ نخجوانی، ۱۹۹۹: ۴۶۹/۲؛ حدادی، ۲۰۰۳: ۱۳۱/۷؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۴۳۷/۲؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۷۹۶/۳؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۳۲۰/۱۰؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۶۲/۱۰؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۳۷۸/۴؛ ابی سعود، ۱۴۱۹: ۳۴۲/۶؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱۹۱/۵؛ حسنی، ۱۴۲۳: ۱۹۷/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۹/۶؛ نسفی، ۱۴۱۵: ۷۵۸/۲؛ بقاعی، ۱۴۲۴: ۲۶۸/۸؛ خلوتی صاوی، ۱۴۲۱: ۲۲۸۵/۶؛ قشیری، بی تا: ۶۶۳/۳؛ غازی، ۱۴۱۱: ۴۰۲؛ هلالی، ۱۴۳۰: ۴۸۹/۳).

بر این اساس، این قول را بسیاری از مفسران اهل سنت اعم از متقدمین و متأخرین نقل نموده‌اند، از این لحاظ می‌توان گفت این قول اکثر مفسران اهل سنت است.

مفسران شیعه اعم از متقدمین و متأخرین همه عقیده دارند سوره دربارهٔ ایثار امام علی  $\times$ ، حضرت زهرا  $\div$  و امام حسن و امام حسین  $\wedge$  نازل شده است (برای آگاهی تفصیلی از داستان همراه با اشعار آن، ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۲۵۷). مفسران دیگری نیز این سبب نزول را در تفاسیر خود و در مورد اهل بیت  $\wedge$  آورده‌اند (ر.ک: ابو حمزه ثمالی، ۱۴۲۰: ۳۴۵؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۱۹؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲/۲۹۸؛ طوسی، بی‌تا: ۱/۲۱۱؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۰/۷۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۱۲؛ همان، ۱۳۷۷: ۴/۴۰۹؛ مفید، ۱۴۲۴: ۵۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/۵۴۶؛ عروسی، ۱۴۱۵: ۵/۴۷۰؛ شیبانی، ۱۴۱۹: ۵/۲۸۱؛ جعفری، ۱۴۲۹: ۷۵۲).

#### نقد و بررسی

این دیدگاه مناسب‌ترین نظریه و قول دربارهٔ سبب نزول آیات سورهٔ انسان است. همان‌گونه که در بررسی و تحلیل پنج دیدگاه قبلی بیان گردید، برخی از سبب نزول‌های گفته شده هیچ تناسبی با آیات سورهٔ انسان نداشتند و برخی از جهاتی اندک تناسبی داشتند، ولی از جهات و ابعاد دیگر دارای مشکل و نقص بودند. حال در تبیین سبب نزول ششم روشن خواهد شد که چگونه این دیدگاه مناسب‌ترین قول در مورد سبب نزول سورهٔ انسان است.

اولین مسئله در آیات مورد بحث در سورهٔ انسان، موضوع «نذر» و وفای به آن بود، آنجا که فرمود: این افراد کسانی هستند که: «يُوفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» (انسان: ۷). در داستان نقل شده از طریق اهل سنت و در تفاسیر شیعه، آمده است: امام حسن و امام حسین  $\times$  فرزندان علی  $\times$  و فاطمه  $\div$  مریض شدند و آن‌ها نذر کردند که اگر آن دو شفا یابند، سه روز، روزه بگیرند؛ بنابراین وقتی خداوند آن دو را شفا داد، علی  $\times$  و فاطمه  $\div$  به نذر خود عمل کردند و سه روز، روزه گرفتند. این در واقع اولین ارتباط آیه با این سبب نزول می‌باشد.

اما دومین نکتهٔ ارتباط آیات با این سبب نزول این است که در آیات سورهٔ انسان آمده است، افراد مورد نزول مسکین، یتیم و اسیر را با وجود نیاز شدید خود به غذا اطعام کرده‌اند و در واقع نیاز نیازمندان را بر نیاز خود مقدم داشته‌اند. آن‌گونه که می‌فرماید: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان: ۸).

در سبب نزول ذکر شده در تفاسیر فریقین نیز این مسئله به صورت صریح دربارهٔ اهل بیت  $\wedge$  آمده است، این در حقیقت دومین تناسب بین آیات سورهٔ انسان و سبب نزول ذکر شده می‌باشد.

سومین تناسب بین آیات سورهٔ انسان و سبب نزول ذکر شده این است که، همان‌گونه که در نکته دوم بیان گردید، آیات اشاره دارد به اینکه افراد مورد نزول با وجود نیاز شدید خود به غذا و طعام، از خود گذشتگی نموده‌اند و علاوه بر این، این کار خیر (اطعام نیازمندان) را برای رضایت خداوند کرده‌اند، همان‌طور فرموده است: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» (انسان: ۹).

این موضوع دقیقاً همان چیزی است که در سبب نزول ذکر شده در مورد اهل بیت  $\wedge$  آمده است و در دیگر سبب نزول‌ها اشاره‌ای به آن نشده است. این سومین وجه تناسب بین آیات سورهٔ انسان و داستان نزول ذکر شده در تفاسیر فریقین برای اهل بیت  $\wedge$  است.

چهارمین وجه تناسب بین آیات سورهٔ انسان و سبب نزول ذکر شده برای اهل بیت  $\wedge$  این است که در این آیات آمده که

خداوند به خاطر صبر و بردباری آن افراد مورد نزول آیات، در برابر مصیبت و مشقت و سختی ای که کشیدند، پاداش‌های بزرگی بهشتی را ذکر کرده است. آن طور که فرمود: «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا» (انسان: ۱۲). این مسئله نیز دقیقاً در داستان نزول ذکر شده برای اهل بیت<sup>^</sup> وارد شده است.

## ادله مخالفان نزول سوره انسان درباره اهل بیت<sup>^</sup>

### ۱. مکی بودن سوره انسان

بعضی برای رد نزول سوره انسان درباره اهل بیت<sup>^</sup> به این دلیل متمسک شده‌اند که بسیاری از مفسران سوره انسان را مکی می‌دانند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۷۳۹/۳۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹۳/۱۰؛ حقی برسوی، بی تا: ۲۵۸/۱۰؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۲۹۲/۸)؛ بنابراین نمی‌تواند شأن نزول آن امام علی و حضرت فاطمه و حسنین<sup>^</sup> باشند، زیرا ازدواج امام علی با حضرت فاطمه در مدینه بوده است و این یعنی اینکه مورد نزول سوره اهل بیت<sup>^</sup> نیستند.

### نقد و بررسی

۱. در بررسی این دلیل باید گفت: همان‌گونه که بعضی از اهل سنت قائل به مکی بودن سوره هستند، از سوی دیگر عدّه بسیاری نیز قائل به مدنی بودن سوره هستند. به تعبیر دیگر، بسیاری از مفسران اهل سنت قائل به مدنی بودن سوره انسان هستند (زمخشری: ۴/۶۶۵؛ میدی: ۱۰/۳۱۶؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۴/۳۷۶؛ اندلسی: ۵/۴۰۸؛ بغوی: ۵/۱۸۹؛ غرناطی: ۲/۴۳۶؛ ابن جوزی: ۴/۳۷۴؛ آلوسی: ۱۵/۱۶۶؛ سیوطی: ۶/۲۹۷؛ ثعالبی، بی تا: ۵/۵۲۷؛ قرطبی، بی تا: ۲۰/۱۱۸؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۳/۲۷۸۸؛ مراغی، بی تا: ۲۹/۱۵۹؛ خطیب، بی تا: ۱۵/۱۳۴۹؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۹/۳۴۴؛ ملاحویش، بی تا: ۶/۶۷؛ سمرقندی، بی تا: ۳/۵۲۵).

حتی بعضی از مفسران اهل سنت می‌گویند: اصح این است که این سوره مدنی است (ر.ک: زحیلی، ۱۴۲۲: ۳/۲۷۸۸).

۲. بحث دیگر اینکه اگر سوره را مکی بگیریم، از لحاظ محتوا با مشکل رو به رو می‌شویم، چون در این سوره اشاره به «نذر» و «اطعام نیازمندان» و از همه مهم‌تر موضوع «اسیر» است که به اتفاق مفسران، در مکه هیچ اسیر مشرکی نزد مسلمانان وجود نداشته است.

### ۲. مکی بودن محتوا و ساختار آیات سوره انسان

برخی از مفسران اهل سنت چنین استدلال نموده‌اند که سیاق آیات سوره انسان نمایانگر مکی بودن آن است، زیرا محتوا و مضمون سوره مشتمل بر مطالب و مباحثی از قبیل «جنت و نعمت‌های آن»، «عذاب‌های الهی و دوزخ» و «اعتقاد و ایمان»، «امر به صبر در مقابل آثم و کفور» است که فقط بر مکی بودن سوره دلالت دارند و معنای این سخن عدم نزول سوره درباره اهل بیت<sup>^</sup> است (عزّه دروزه، ۱۴۲۱: ۶/۱۰۸).

محمدعلی صابونی می‌گوید: بعضی از علمای گذشته آن را مکی دانسته‌اند، به دلیل شیوه‌ها و مواضع آیات این سوره که متعلق به عقیده و ایمان است (صابونی، ۱۴۱۸: ۱۵/۱۹۳).

### نقد و بررسی

تمسک به این دلیل برای اثبات مکی بودن سوره و در نتیجه اثبات اینکه شأن نزول آن اهل بیت<sup>^</sup> نیستند، دارای اشکال است و به دلایل زیر نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد و در نتیجه این استدلال باطل خواهد بود.

این که گفته‌اند چون در این سوره و آیات آن در مورد ایمان و عقیده و نعمت‌های بهشتی و... مطرح شده است، پس در مکه نازل شده است، مورد قبول نیست. زیرا در بعضی سوره‌های مدنی نیز (که به نظر به بسیاری از مفسران در مدینه نازل شده) چنین مباحثی مطرح شده است، مانند سوره الرحمن (ر.ک: شاذلی، ۱۴۱۲: ۳/۶؛ غرناطی، ۱۴۱۶: ۲/۳۲۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۴۴۲).

۳. عدم تناسب داستان نزول ذکر شده با شأن و مقام علی ×

یکی از مهم‌ترین اشکالاتی که بر داستان نزول آیات سوره انسان در مورد اهل بیت<sup>ع</sup> وارد شده از سوی ترمذی (در کتاب نوادر الاصول فی احادیث الرسول)، است. او ضمن تضعیف روایت سبب نزول درباره‌ی خاندان پیامبر<sup>ص</sup> اشکالاتی محتوایی بر روایت نزول گرفته و برای تأیید قول خود به آیات قرآن و احادیث استناد کرده و می‌گوید:

... ولا یدری أن صاحب هذا الفعل مذموم قال الله تعالى فی تنزیله الکریم: «و یسألونک ماذا ینفقون قل العفو» (بقره: ۲۱۹) و هو الف فضل الذی یفضل عن نفسک و عیالک و قال<sup>ص</sup>: «خَیْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غَنًی، وَابْتَدَأَ بِمَنْ تَعُولُ» و افترض الله تعالی علی الأزواج النفقة لأهالیهم و أولادهم و قال<sup>ص</sup>: «کفی بالمرأ إثمًا أن یضیع من یقوت».

أیحسب عاقل أن علیاً<sup>ع</sup> عنه جهل هذا الأمر حتی أجهد صبیاناً صغاراً من أبناء خمس أو ست علی جوع ثلاثة أيام ولیالیها حتی تضربوا من الجوع و غارت العیون فیهم لخلاء أجوافهم حتی أبکی رسول الله<sup>ص</sup> ما بهم من الجهد (ترمذی، ۱۹۹۲: ۱/۱۰۶). ترمذی در عبارت فوق برای نشان دادن ضعف محتوایی روایت به چند دلیل تمسک کرده است:

۱. صاحب و عامل چنین فعلی (کسی می‌باید احتیاج ضروری خود را که به آن نیاز شدید دارد به دیگران بدهد) مذمت شده است. به همین دلیل خداوند در قرآن می‌فرماید: «و یسألونک ماذا ینفقون قل العفو» (بقره: ۲۱۹)؛ از تو سؤال می‌کنند: چه چیز انفاق کنیم؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود انفاق کنید.» مراد از «عفو» در آیه یعنی مازاد بر نیازمندی خود و خانواده است (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۱۸۳؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۲/۱۱۳؛ اندلسی، ۱۴۲۲: ۱/۲۹۵ و...).

۲. پیامبر<sup>ص</sup> بهترین صدقه را چنین بیان کرده‌اند: «بهترین صدقه آن است که از بی‌نیازی و مال افزون بر نیاز داده شود و در صدقه‌دادن از شخصی آغاز کن که به تو نزدیک‌تر است» (بخاری، ۱۴۲۳: ۱۴۲۶؛ بیهقی، ۱۳۴۴: ۱/۸۰۲۱).

۳. خداوند بر مرد (شوهر) نفقه همسر و فرزندان را واجب گردانیده است، پیامبر<sup>ص</sup> فرمود: «شخص را از گناه همین بس که غذای کسانی را که تحت تکفل او هستند ضایع کند» (ابن حبان، ۱۴۱۴: ۴۲۴۰).

ترمذی در آخر چنین نتیجه می‌گیرد که هیچ عاقلی نمی‌تواند چنین گمان کند که علی × غذای خود و خانواده‌اش را که واجب النفقه او بوده‌اند، به سائل بدهد. بر فرض اگر از حق خودش بگذرد، آیا جایز است غذای دو فرزند کوچکش امام حسن و امام حسین<sup>ع</sup> را به نیازمند بدهد و گرسنگی را بر آن اطفال تحمیل کند؟ حالت رقت باری که پیامبر<sup>ص</sup> را به گریه انداخت. اگر این آیات مربوط به حضرت علی × و خانواده‌اش باشد، آن وقت علی × برخلاف مفاد آیه و احادیث ذکر شده، عمل کرده است و این با شأن علی × سازگاری ندارد. بنابراین، این حدیث سبب نزول ضعیف و مردود است.

نقد و بررسی

۱. بعضی از علمای اهل سنت در مقابل آن موضع گرفته و قول او را رد کرده‌اند. ابن عجبیه حسنی در تفسیرش بعد از نقل داستان و سخن ترمذی در ضعف آن، ضمن رد قول ترمذی می‌گوید:

این از باب احوال است و برای صحابه در ایثار و گذشت احوال خاصی است، به خاطر شدت یقینشان (به خدا و دین)؛

بنابراین انکار ترمذی به آن سبب‌هایی که گفته است، ناصحیح است (ابن‌عجیبه، ۱۴۲۳: ۱۹۷/۸).

۲. قشیری یکی از مفسران اهل سنت در تفسیر آیه ۲۱۹ سوره بقره، بیان جالبی دارد: گفته شده است که «عفو» (بخشش) در آن است که از حاجت شخص اضافی باشد. این برای خواص است که از اموال اضافی خود بخشش می‌کنند، ولی خواص الخواص راه و روش آن‌ها ایثار و گذشت است و آن اینکه دیگری را بر خود مقدم می‌دارد، در حالی که خود نیازمند است (قشیری، بی‌تا: ۱/۱۷۷).

بر این اساس، باید گفت اهل‌بیت<sup>۱</sup> همان‌گونه که در روایات و کتب فریقین نیز آمده است، دارای بالاترین درجات بوده‌اند و در تاریخ نمونه‌های از ایثار و از خود گذشتگی‌ها را نشان داده‌اند. نمونه دیگری از ایثار و انفاق علی<sup>۲</sup> در سوره مائده آیه ۵۵ آمده است که می‌فرماید: «... وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». در تفاسیر آمده است که علی<sup>۳</sup> در حالی که در نماز ایستاده بود، به نیازمندی انفاق کرد و خداوند این آیه را در ستایش آن حضرت نازل کرد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۶/۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴/۸۰).

این‌ها در واقع نمونه‌ای از ایثار اهل‌بیت<sup>۴</sup> است. بنابراین کسی که به درجات و جایگاه این حضرات آگاهی ندارد، چنین اشکالی را مطرح می‌کند، و فرد آگاه به عظمت خاندان پیامبر<sup>۵</sup> چنین اشکالی را مطرح نخواهد کرد. ۳. دلیل دیگر بر رد قول ترمذی این آیه قرآن کریم است که می‌فرماید: «... وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...» (حشر: ۹)؛ و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند).

در این آیه بیان شده است که «آن‌ها با وجود نیاز و احتیاجی که خود دارند، دیگران را بر خود مقدم می‌دارند و از خود گذشتگی می‌کنند». «خصاصه» همان‌گونه که در تفاسیر آمده است، به معنای نیاز و حاجت است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۲۸-۲۹) و بعضی یک قید به آن اضافه کرده‌اند و آن «نیاز شدید» است (طنطاوی، بی‌تا: ۴/۲۹۸).

۴. مؤید دیگر در این زمینه این است که خداوند در سوره آل‌عمران فرموده است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...» (آل‌عمران: ۹۲)؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید». یعنی خداوند در این آیه نائل شدن به برّ و نیکی را منوط به این کرده که آنچه را دوست دارید انفاق کنید. پس انفاق آنچه مورد علاقه خود انسان است و نیز انسان به آن نیاز دارد، کار بزرگی است که افراد بزرگی به چنین صفتی دست پیدا می‌کنند. بر این اساس، با وجود چنین آیاتی چگونه می‌توان بر امام علی<sup>۶</sup> اشکال گرفت که بر خلاف قرآن و دستورات اسلام عمل کرده است؟! حال آنکه این عمل خود از مصادیق عمل به مفاد آیات قرآن کریم است.

۵. تمجید و ستایشی که در آیات مورد بحث وجود دارد و کاربرد ضمائر جمع و همین‌طور سیاق آیات نشان می‌دهد که همه آن‌ها خود به این کار قلباً هم راضی بودند. بنابراین خداوند همه آن‌ها را تحسین کرده است.

علاوه بر آیات، در داستان سبب نزول تصریح شده است که آن‌ها، حتی امام حسن و امام حسین<sup>۷</sup> و فضنه، خود شخصاً روزه نذر کردند و این نشان می‌دهد در موضوع ایثار نیز مشارکت داشتند. پس اجباری در کار نبوده و علی<sup>۸</sup> به اجبار طعام خانواده‌اش را به نیازمندان نداده است.

ادله نزول آیات درباره اهل‌بیت<sup>۹</sup>

در این قسمت، به صورت خلاصه و گذرا، به دلایل نزول آیات سوره انسان در مورد علی<sup>۱۰</sup>، فاطمه<sup>۱۱</sup>، امام حسن و امام حسین<sup>۱۲</sup>، اشاره می‌شود.

#### ۱. روایت امام صادق×

یکی از ادله سبب نزول سوره انسان در مورد اهل بیت<sup>^</sup>، روایتی است، در تفسیر قمی از امام جعفر صادق× که در مورد آیه «ویطعمون الطعام...» فرموده است (قمی، ۱۳۶۷: ۲/۲۹۸). در این روایت سبب نزول را امام صادق× در مورد اهل بیت<sup>^</sup> دانسته‌اند، علاوه بر این، در تفسیر فرات کوفی نیز روایتی مشابه از امام صادق× نقل شده است (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۱۹). این روایات نشان می‌دهد که سبب نزول حقیقی آیات سوره انسان اهل بیت<sup>^</sup> هستند.

#### ۲. مناسب‌ترین سبب نزول با محتوای آیات سوره انسان

این سبب نزول هم از لحاظ محتوایی و هم از لحاظ الفاظ کاملاً با آیات سوره انسان (آیه ۵ الی ۲۲) مطابقت دارد. برخلاف دیگر اسباب نزول نقل شده که در مطابقت با محتوای آیات و همین‌طور در تطبیق الفاظ آیات دارای نقص و مشکل بودند و نمی‌توانستند ارتباطی منطقی بین سبب نزول و آیات برقرار نمایند.

بر این اساس، موضوعات مهم در آیات سوره انسان، موضوع «نذر»، «اطعام مسکین، یتیم و اسیر» و همین‌طور موضوع «صبر و بردباری» در مقابل سختی گرسنگی و ایثار و از خود گذشتگی و نیز بحث «پاداش‌های الهی» در مقابل این ایثار و صبر و مقاومت ایشان، از جمله مباحث محوری است که در تحلیل و بررسی‌های انجام شده فقط با اهل بیت<sup>^</sup> مطابقت دارد.

#### ۳. اتفاق مفسران شیعه و اکثر مفسران اهل سنت

تمام تفاسیر شیعه سبب نزول سوره انسان را اهل بیت<sup>^</sup> دانسته‌اند (ر.ک: ابو حمزه ثمالی، ۱۴۲۰: ۳۴۵؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۱۹؛ ر.ک: قمی، ۱۳۶۷: ۲/۲۹۸؛ طوسی، بی‌تا: ۱۱۰/۲۱۱؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۰/۷۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۱۲؛ همان، ۱۳۷۷: ۴/۴۰۹؛ مفید، ۱۴۲۴: ۴/۵۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/۵۴۶؛ عروسی، ۱۴۱۵: ۵/۴۷۰؛ شیبانی، ۱۴۱۹: ۵/۲۸۱؛ جعفری، ۱۴۲۹: ۷۵۲ و...). از سوی دیگر، جمع کثیری از مفسران اهل سنت قائل به نزول آیات درباره اهل بیت<sup>^</sup> هستند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۷۰؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۴/۵۲۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵/۲۷۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۳۹۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰/۱۳۱؛ بروسوی، بی‌تا: ۱۰/۲۶۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵/۱۷۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۶/۴۱۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰/۹۸؛ نخجوانی، ۱۹۹۹: ۲/۴۶۹؛ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۳۲۰؛ سمرقندی، بی‌تا: ۳/۵۲۶؛ سورآبادی، ۱۳۸۰: ۴/۲۷۳۶؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۷۴۶).

#### ۴. ذکر «اسیر» در آیات سوره انسان

نکته دیگری که می‌توان به عنوان دلیل از آن استفاده کرد، خود موضوع «اسیر» است. واژه «اسیر» در این آیات نشان می‌دهد که این سوره در مدینه نازل شده است، نه در مکه زیرا در مکه، مسلمانان اسیری نداشتند و در واقع جنگی رخ نداده بود تا مسلمانان اسیر بگیرند. بنابراین، این خود قرینه خوبی است برای اینکه این سوره اولاً در مدینه نازل شده است؛ ثانیاً با اضافه نمودن دلایل دیگر می‌توان از آن استفاده نمود که سوره درباره اهل بیت<sup>^</sup> نازل شده است.

#### ۵. عدم استفاده از نام حورالعین، به احترام فاطمه زهرا=

آلوسی یکی از بزرگان تفسیری اهل سنت در بیان علت ذکر نشدن حورالعین در این آیات در میان بقیه نعمت‌های بهشتی می‌گوید: «به خاطر رعایت حرمت بتول و نور چشم رسول<sup>ﷺ</sup> فاطمه زهرا= است» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵/۱۷۴). نمی‌توان گفت این یک دلیل است، ولی می‌تواند مؤیدی باشد برای اینکه شأن نزول این سوره خاندان علی× هستند.

## نتیجه

با تفحص و دقت در منابع تفسیری فریقین، بهترین نظریه و قول درباره شأن نزول سوره انسان و یا دست کم در قسمتی از آیات آن سوره، اهل بیت<sup>^</sup> است. این مطلب هم با مدنی بودن سوره سازگار بوده و هم خالی از تکلف و زحمت است. اکثر مفسران اهل سنت و اتفاق مفسران شیعه اعم از متقدمان و متأخران گفته‌اند که این سوره و یا آیاتی از آن درباره امام علی<sup>x</sup>، حضرت فاطمه<sup>÷</sup> و امام حسن و امام حسین<sup>ؑ</sup> نازل شده است، زیرا آیات بیانگر واقعیتی است که در خارج به وقوع پیوسته و در آن عده‌ای غذای خود را به رغم اینکه به آن احتیاج شدید داشتند، ولی به خاطر رضای خدا ایثار و گذشت را مقدم داشتند و آن را به بینویان (اسیر، یتیم و مسکین) دادند.

مسئله دیگر درباره نزول سوره، نذری است که صاحبان آن به نذر خود وفا نموده‌اند و این مسئله کاملاً در داستان اهل بیت<sup>^</sup> آمده است. دیگر شأن نزول‌ها هیچ‌گاه نتوانستند هر دو جنبه قضیه نزول را که همان ایثار، گذشت و وفای به نذر بود، کاملاً نشان دهند.

نکته دیگر اینکه روایت شأن نزول سوره انسان درباره اهل بیت<sup>^</sup>، هم در میان شیعه و هم در اهل سنت به طرق گوناگون وارد شده، بر خلاف اقوال دیگر، اعتبار بیشتری دارد، این مسئله صحت شأن نزول سوره درباره اهل بیت<sup>^</sup> را می‌رساند.



قرآن کریم

آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیہ، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، مکتبہ نزار مصطفیٰ الباز، ۱۴۱۹ق.  
ابن اثیر، عزالدین بن الأثیر ابوالحسن علی بن محمد الجزری، أسد الغابہ فی معرفۃ الصحابہ، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.  
ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، تحقیق عبدالله خالدی، بیروت، شرکت دار الارقم بن ابی الارقم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.  
ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد أبوحاتم التمیمی البستی، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق شعیب الأرئوط، بیروت، مؤسسة الرسالہ، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمدحسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیہ، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹ق.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق ابوالفرج، الفهرست، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۸ق.  
اسفراینی، ابوالمظفر شهنور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاهم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.  
اندلسی، ابن عطیہ عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

اندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.  
بخاری، أبو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره، صحیح البخاری، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.  
بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، لباب التاویل فی معانی التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.  
بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.  
بقاعی، برهان الدین ابی الحسن ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.

بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاتہ، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.  
بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

بیہقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی، السنن الکبری، ہند، مجلس دائرۃ المعارف النظامیہ، چاپ اول، ۱۳۴۴ق.  
ترمذی، محمد بن علی بن حسن أبو عبد الله حکیم، نوادر الأصول فی أحادیث الرسول، تحقیق بیروت، عبدالرحمن عمیرہ دارالجیل، ۱۹۹۲.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف والبيان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

- جعفی، جابر، تفسیر جابر الجعفی (صاحب الامام الباقر ×)، بی جا، مرکز الامیر احیاء التراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- جوهری طنطاوی، سید محمد، الجواهر فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت، دار الجیل جدید، چاپ دهم، ۱۴۱۳ق.
- حجتی، سید محمدباقر، اسباب النزول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۷.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- حسنی، ابی العباس احمد بن محمد بن مهدی ابن عجیبة، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- حکیم، محمدباقر، علوم القرآن، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
- خلوتی صاوی، احمد بن محمد مصری مالکی، حاشیة علی تفسیر الجلالین، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه و تحقیق سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، تفسیر الوسیط، دمشق، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۹۹۶.
- زركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- زمنخسری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- سلیقی، عبدالله محمد، موجز فی علوم القرآن و اصول التفسیر، دمشق، دارالمکتبی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، تفسیر بحر العلوم، بی جا، بی تا، بی تا.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، قاهره، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
- \_\_\_\_\_ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شربینی، خطیب، السراج المنیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، بیروت، دارالکلم الطیب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، قم، نشرالهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- صابونی، محمد علی، قبس من النور القرآن الکریم، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب ابوالقاسم، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، عراق، مکتبة العلوم والحکم - الموصل، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷.

- \_\_\_\_\_ مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانى، چاپ اول، ۱۳۶۰.
- طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تهران، كتابفروشى مرتضوى، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى التفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
- عزة دروزة، محمد، التفسير الحديث ترتيب السور حسب النزول، بيروت، دارالغرب الاسلامى، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
- غازى، عنایت، أسباب النزول القرآنى، بيروت، دارالجيل، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- فخرالدين رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
- فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- فيض كاشانى، ملا محسن، تفسير الصافى، تحقيق اعلمى، تهران، انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- قاسمى، محمد جمال الدين، محاسن التاويل، تحقيق محمد باسل عيون السود، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- قزلبى، محمد بن احمد، الجامع الاحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- قشيرى، عبدالكريم بن هوازن، لطايف الاشارات، تحقيق ابراهيم بسيونى، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ سوم، بى تا.
- قمى، على بن ابراهيم، تفسير قمى، قم، دارالكتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
- كاشانى، ملافتح الله، زبدة التفاسير، قم، بنياد معارف اسلامى، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- ماوردى، ابى الحسن على بن محمد بن حبيب، النكت و العيون، بيروت، دارالكتب العلمية، بى تا.
- محلّى، جلال الدين و جلال الدين سيوطى، تفسير الجلالين، بيروت، مؤسسة النور للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- مراغى، احمد بن مصطفى، تفسير المراغى، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
- مظهرى، محمد ثناء الله، التفسير المظهرى، باكستان، مكتبة رشديه، ۱۴۱۲ق.
- معرفت، محمد هادى، التمهيد فى علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_ علوم قرآنى، قم، مؤسسه فرهنگى تمهيد، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
- مفيد، محمد بن محمد، تفسير القرآن المجيد، تحقيق سيد محمد على ايازى، قم، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلامية، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- نخجوانى، نعمت الله بن محمود، الفواتح الإلهية و المفاتيح الغيبية، مصر، دار ركابى للنشر، چاپ اول، ۱۹۹۹.
- نسفى، عبدالله بن احمد بن محمود، تفسير النسفى، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- نیشابورى، نظام الدين حسن بن محمد، تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقيق شيخ زكريا عميرات، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- هلالى، سليم بن عبدالله و محمد بن موسى آل نصر، الاستيعاب فى بيان الأسباب، بيروت، دار ابن جوزى، چاپ دوم، ۱۴۳۰ق.
- واحدى نیشابورى، ابوالحسن على بن احمد، اسباب النزول، تحقيق دكتور سيد جميلى، بيروت، دارالكتاب العربى، چاپ هفتم، ۱۴۱۹ق.

**A Comparative Study of the Occasion of Revelation of Verses 5 -22 of Chapter al-Insan according to the Exegetes of the Two Branches of Faith\***

Abdul Hashim Mirza \*\*

**Abstract**

There are two viewpoints about the place where Chapter al-Insan (Man) of the Quran was revealed. According to some Sunni exegetes, this chapter was revealed in Mecca whereas many others are of the view that it was revealed in Medina. However, when it comes to the cause of its revelation, there are five opinions. Some have said that the cause of the revelation of the said chapter was an Ethiopian (Habashi) man, some others believe that the verses of the Chapter al-Insan were revealed about Abu Dahdah al-Ansari. A third group of people maintain that Mut'im bin Waraqa al-Ansari had made a vow which he fulfilled upon which these verses were revealed. Another group of exegetes say that the cause of the revelation of this chapter was a number of the Prophet's companions. Shia exegetes and a lot of Sunni scholars, however, believe that this chapter and the verses 5 - 22 are about Ali, Fatima, Imam Hasan and Imam Hussein, peace be upon them. Therefore, this article seeks to study the different views regarding the cause and occasion of revelation of Chapter al-Insan analyzing and criticizing them from an exegetical perspective.

**Keywords:** occasion of revelation, Shia, Ahl al-Sunnah, Ahlulbayt, cause of revelation, verses on feeding, Chapter al-Insan.

---

\* Date of submission: 6/4/2017 Date of acceptance: 11/7/2017

\*\* Student of doctoral level, Quran and Sciences, Al-Mustafa International University, mirzoh@yahoo.com)